

A Persian translation of
Examined by John G. ...
First Published in Spanish, 1982, by Sudamericana
Translated into English by Alfred M. ...
and published by New Directions
in Translation

امتحان نهایی

ISBN 978-964-448-310-2
I. ...
II. ...
III. ...
خولیو کورتاسار

ترجمه مصطفی مفیدی



انتشارات نیلوفر

یادداشت مترجم فارسی

سبک به ظاهر از هم گسیخته رمان امروز، که البته چند دهه از تولد آن می‌گذرد، به یک معنی بازتاب گسستگی در اندیشه و آرمان، فروپاشی ارزش‌های سنتی و باورهای جزمی کهن است. هماهنگی و انطباق شکل با محتوا همین را ایجاب می‌کند. تولد خردورزی، سایه انداختن خردگرایی بر علم و فلسفه، و نیز بر ادبیات، که زمان آن در واقع به عصر نوزایی برمی‌گردد، در قرن بیستم، به خصوص نیمه دوم این قرن میوه‌های خود، گرچه نه چندان شیرین، اما موافق طبع اهل ذوق و خرد، را در قلمرو ادبیات به بار آورد، و در واقع بهتر است بگوییم عالی‌ترین جلوه‌اش را نشان داد. اگر بخواهیم پیام عصر نوزایی و جنبش نوزایی را در یک کلمه خلاصه کنیم، این کلمه یک چرای بزرگ است، و به سخن دیگر یک تردید بزرگ: تجدید نظر در همه باورهای کهن (و البته باید تأکید کنم که دامنه این باورهای کهن، به باورهای جزمی قرن نوزدهم هم قابل تسری است)، سؤال کردن و باز هم سؤال کردن، شک کردن و باز هم شک کردن. تردید و پرسش بزرگی که با جنبش نوزایی شروع شد و سیر تکامل و رشد خود را در همه زمینه‌های هنر و ادبیات طی کرد، تابوها را شکست، با سنت رودرو شد. و در مسیر خود انقلابات سیاسی و ادبی و هنری را پشت سر گذاشت و از آنها بار و بر بیشتری گرفت، اما بار و بری که چون میوه درخت ممنوع تنهایی انسان و بی‌پاسخ ماندن اساسی‌ترین پرسش‌های او را بیشتر عیان کرد.

تردید و سرگستگی، احساس تنهایی و بی‌پناهی در کیهانی بی‌منتهی، بحران ارزش‌ها و باورها، که همان‌طور که گفتم سرآغازش را در نقطه عطف بلوغ خرد و

کلی و یازده روز به سمت جنوب غربی از پاریس به سوی جنوب غربی فرانسه و به سوی جنوب غربی فرانسه
و به سوی جنوب غربی فرانسه و به سوی جنوب غربی فرانسه و به سوی جنوب غربی فرانسه
سکوت به شوندگان خبر می داد که آنها در یک یا دو نقطه استیلا از زمین می گذرانند
اندکسید یک روز با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان
نمایند که در یک روز با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان
در آن به دقیقه ۰۲ و ۰۷ در آنجا با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان
در آنجا با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان و با یک گروه از شوندگان

۱

"Il y a terriblement d'années, je m'en allais chasser le gibier d'eau dans les marais de l'Ouest - et comme il n'y avait pas alors de chemins de fer dans le pays où il me fallait voyager, je prenais la diligence..."^۱

کلا را که از در کلاس بیرون می رفت فکر کرد که فرصت خوبی است، و امیدوارم خیلی خیلی بکب شکار کنی. دیگر نمی توانست صدای خوانشگر را بشنود. چه شگفت آور بود انزوای اتاق های خانه داستان؛ فقط کافی بود دو سه متر به عقب برگردی تا وارد سکوت همهمه گونه تالار شوی. به طرف راه پله قدم برداشت ولی، دودل و مردد، با رسیدن به سرسرای دیگر، متوقف شد. از آنجا می توانست صدای خوانشگرها در بخش A را که به رمان انگلیسی امروز مربوط بود، بشنود. ولی احتمالش کم بود که خوان آن^۲ در یکی از این کلاس ها باشد. آنچه موجب ناراحتی می شد این بود که هیچ نمی توانستی سر از کار او دریابوری. سپس تصمیم گرفت برود و نگاهی بیاندازد تا مطمئن شود، و در این حال دفتر یادداشتش را در دست می فشرد. به سمت چپ

۱. خیلی سال پیش، برای شکار پرندگان وحشی در باتلاق های غربی راه افتادم - و چون در آن سرزمینی که من می خواستم سفر کنم، راه آهنی نبود، کالسکه ای کرایه کردم...